

فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۵، شماره ۳ (پیاپی ۵۲)، پاییز ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

مقاله پژوهشی
صص. ۸۱۱-۸۲۶

بررسی تأثیر ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرگان)

نسرین مخیری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
شهره تاج* - استادیار گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
علیرضا استعلاجی - استاد گروه جغرافیا، واحد شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری، ایران
سید حسن مطیعی لنگرودی - استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

چکیده

استراتژی ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی با توجه به ارتباط مستمر بخش کشاورزی میزان فعالیت اصلی روستاییان از یک طرف، و امکانات و قابلیت‌های موجود در روستا از طرف دیگر، نقش مؤثری در توسعه روستایی ایفا می‌کند. به طوری که با بکارگیری محصولات خام کشاورزی و ایجاد اشتغال، موجب افزایش درآمد در نواحی روستایی می‌شوند. در همین راستا تحقیق حاضر نیز با هدف بررسی نقش صنایع تبدیلی و تکمیلی را بر شاخص‌های اقتصادی روستاهای حاشیه‌نشین شهرک‌های صنعتی در شهرستان گرگان پرداخته است. بر این اساس، ۱۰۰ نفر از سرپرستان خانوار از ۲۰ روستا به عنوان حجم نمونه انتخاب و به صورت تصادفی نمونه‌گیری شدند. ابزار سنجش در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای بود که روایی آن بر اساس نظرات تخصصی اساتید و پایایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. یافته‌های به دست آمده از تحقیق نشان داد که، صنایع تبدیلی و تکمیلی در حد متوسط رو به زیاد بر شاخص اقتصادی روستاهای حاشیه‌نشین شهرک‌های صنعتی تأثیرگذار بوده است. همچنین نتایج حاکی از آن بود که، ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی با افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، فراهم کردن تنوع شغلی، افزایش درآمد روستاییان، افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی، صادرات فرآورده‌های کشاورزی، افزایش پس انداز و افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات، در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($P < 0.01$) رابطه مثبت و معنی داری داشته است.

واژه‌های کلیدی: شهرک صنعتی، صنایع، روستا، درآمد، شهرستان گرگان

نحوه استناد به مقاله:

مخیری، نسرین، تاج، شهره، استعلاجی، علیرضا و مطیعی لنگرودی، سید حسن. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرگان). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۵(۳)، ۸۱۱-۸۲۶.
http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672816.html

مقدمه

مناطق روستایی کشور در دهه‌های گذشته از نظر بنیان‌های اقتصادی از آسیب پذیری زیادی برخوردار بودند، این گونه تصور می‌شد که با رشد صنعتی در شهرهای بزرگ مناطق روستایی نیز توسعه یابند اما افزایش بیکاری، تشدید فقر و ایجاد شکاف در آمدی بین مناطق شهری و روستایی را بدنبال داشت یکی از راه‌های کاهش بیکاری و افزایش در آمد روستاییان گسترش صنایع در مناطق روستایی است، تمرکز صنایع در روستاها علاوه بر ایجاد اشتغال و در آمد سبب کاهش مشکلات مربوط به همجواری صنایع با شهرها نظیر: تراکم شدید جمعیت، مشکلات مربوط به ترافیک، آلودگی‌های زیست محیطی و ... می‌شود. صنعتی سازی مناطق روستایی برای ایجاد فعالیت‌های در آمد زا و فرصت‌های شغلی به عنوان راهکاری برای کاهش نابرابری در مناطق فقیر روستایی مورد توجه است (Safari aliakbari et al, 2011).

شعار سازمان خواربار جهانی که تولید تنها نیمی از ماجراست، اهمیت فرآوری و کاهش ضایعات را بیشتر نمایان نموده و مشخص می‌کند که مراحل کاشت، داشت، برداشت، آبیاری، مبارزه با آفات و بیماری‌ها، کوددهی و ... تنها ۵۰ درصد فرآیند را تشکیل می‌دهند. مصرف و تامین نیاز مصرف کننده هدف نهایی است. با توجه به مطالب فوق، ایجاد صنایع تبدیلی کشاورزی در مناطق کمتر توسعه یافته کشور می‌تواند نقش اساسی در توسعه این مناطق ایفا نماید. زیرا این صنایع همانند صنایع سنگین نیاز به نقدینگی زیادی ندارند. فزون بر آن، این صنایع می‌توانند با فرآوری و تبدیل محصولات کشاورزی ضمن سود آوری برای تولید کنندگان فراغت آنان را از بابت مسائل و مشکلات بازاریابی و بازار رسانی باعث شوند (Davarpanah, 2014). امروزه صنعت به عنوان اصلی‌ترین ابزار در توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب‌مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت بوده که عوامل تولید در بخش صنعت در مقایسه با کشاورزی قابلیت جا به جایی و انعطاف‌پذیری بیشتر با شرایط محیطی - منطقه‌ای و ملی دارد. به همین دلیل قطب‌های توسعه به خصوص در کشورهای جهان سوم و خاصه در مناطقی که فاقد پتانسیل مناسب جهت توسعه کشاورزی هستند بر مبنای صنعت استوار می‌گردند (kalantari, 2012: 75).

نامشخص بودن جایگاه روستا در تفکر اقتصادی حاکم بر کشور، عدم وجود استراتژی هدفمند توسعه روستایی، نبود بستر قانونی روشن و شفاف، نبود ساختار منسجم و مشخص و هماهنگ‌کننده امور روستایی و تغییرات مداوم ساختار اداری مدیریت روستایی، کمبود تحقیقات هدفمند توأم با آموزش روستاییان، کمبود سرمایه و نگرش سود محوری بانک‌ها به روستاییان، کمبود تشکیلات حمایت‌کننده و هدفمند برای رشد اقتصادی روستا و ضعف پیچیدگی ساختار تشکیلاتی متولی صادرات و واردات اقتصاد مبتنی بر یارانه، مشکلات مربوط به زیرساخت‌های انسانی، اقتصادی، طبیعی مربوط به صنایع تبدیلی می‌باشد (Firouznia, 2004: 276). لذا، بدون تردید ایجاد صنایع تبدیلی در روستاها یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است؛ این صنایع از میزان بیکاری‌های دائمی و فصلی در مناطق روستایی می‌کاهد، همچنین زمینه‌های مناسب جهت توسعه مناطق روستایی را فراهم می‌آورد و به افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی، پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر خواهد شد. لذا این گونه صنایع می‌تواند پیش نیاز استراتژی صنعتی شدن و تأمین کننده امنیت غذایی در کشور باشد (Moradimofar et al, 2012:12). در کشوری که اکثریت افراد هنوز در روستاها زندگی می‌کنند اقشار اجتماع از یکدیگر فاصله زیادی دارند، درجه بیکاری پنهان به حد اعلی خود رسیده، میزان مهاجرت بیش از حد است و صنعتی شدن در سطح پایینی قرار دارد، هر نوع برنامه توسعه روستایی نظیر اصلاح و بهبود وضع کشاورزی، اصلاح بذر، سرمایه گذاری در بخش صنعت، بهبود ارتباطات، توسعه بهداشت و غیره، نابرابری‌ها را در میان گروه‌های اجتماعی افزایش خواهد داد (Azkia, 1999: 3). یکی از راه‌های ایجاد بازار برای محصولات کشاورزی، توسعه صنایع تبدیلی در مناطق مختلف است. در حقیقت فرآوری محصولات کشاورزی باید به عنوان یک کارکرد بازاریابی در نظر گرفته شود (Kraford, 2004: 27). ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروهای کار مازاد بر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می‌باشد (Motielangroudi et al, 2011: 6).

در این تحقیق با توجه به طبیعت بخش کشاورزی و فساد پذیری و نوسان زیاد بازاری و متاسفانه بازارهای محدود برای تولید کنندگان کوچک روستایی شهرستان گرگان ضرورت توجه کافی در اتخاذ سیاست‌های حمایتی و ارائه راهکارهای جذب سرمایه

گذاری اقتصادی و قابل توجه در صنایع تبدیلی برای تکمیل زنجیره‌های ارزش آن و افزایش ارزش افزوده در منطقه احساس می‌شود. در همین راستا تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بهبود شاخص‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان پرداخته است. لذا تحقیق و پژوهش در زمینه صنایع تبدیلی منطقه و ارائه الگوی مناسب جهت توسعه این صنایع ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد؛ اما تحقیق و پژوهشی در منطقه مورد نظر در این مورد انجام نشده است.

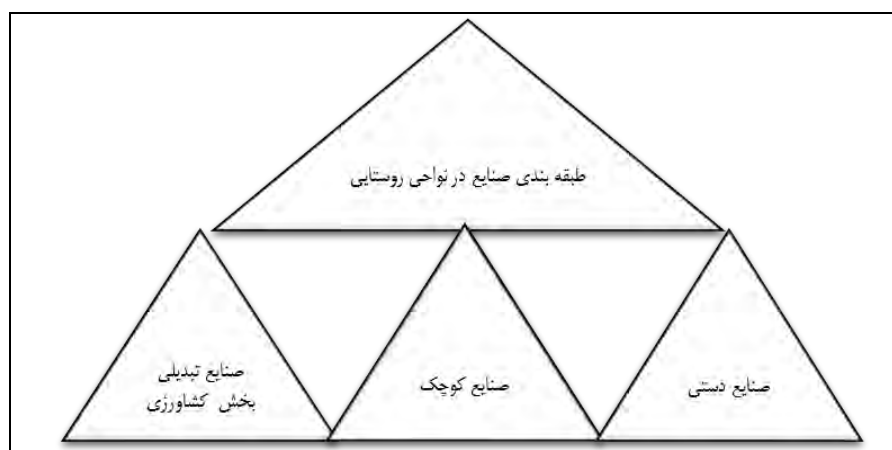
بر اساس نتایج حاصل از مطالعات شی (۱۹۸۵) در کشور تایوان، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی از آثار استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌باشد. نایاک (۱۹۹۴) تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی را ایجاد فرصت‌های شغلی دانسته و معتقد است برنامه‌ریزی به منظور استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد. آبراهام (۱۹۹۴) نیز بررسی الگوی صنعتی شدن روستایی هند معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی توانسته است نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال و درآمد داشته باشد. راجرز (۱۹۷۸) با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می‌دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه دربر داشته به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است. بهالا (۱۹۸۲) در مطالعه‌ای با استفاده از روش دلفی، به موضوع اقتصاد روستایی در استان هونان چین پرداخته و بعد از ارائه راهکارهای توسعه صنایع، اهمیت استقرار مناسب و اولویت سرمایه گذاری در صنایع کارگاهی را بیان می‌کند. نامبودری و گاندھی (۲۰۰۳) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی جایگاه والایی در بخش صنعت کشور هند دارد. صنایع فرآوری کشاورزی به دلیل قدرت اشتغال بالا و قدرت به کارگیری سرمایه و مواد خام دارای اولویت بالایی در سرمایه گذاری می‌باشد. شارما و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که صنایع فرآوری کشاورزی می‌تواند موجب ارزش افزوده گردد، که البته این مقدار از محصولی به محصول دیگر و از صنعتی به صنعت دیگر متفاوت است. کیشور (۱۹۹۷) در مطالعات خود در ایالت اوریسای هند نتیجه گرفت که عواملی نظیر وجود مواد اولیه، وجود بازار، شرایط سرمایه گذاری، تخمین تقاضا و تسهیلات مالی و اعتباری پرداخت در ایجاد و توسعه صنایع و فعالیت‌های کشاورزی تاثیر گذار می‌باشد. نتایج تحقیقات رحمانی (۲۰۱۱) نشان داد که صنایع تبدیلی نقش اساسی در افزایش اشتغال و درآمدهای ارزی، بازده اقتصادی و تغییر شیوه تولید و همچنین استفاده بیشتر از محصولات کشاورزی داشته است. نجفی کانی (۲۰۰۶) در رساله دکتری خود با عنوان اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در مناطق روستایی از دیدگاه توسعه پایدار در شهرستان بابل، به این نتیجه رسید که اکثر شاخص‌های توسعه اقتصادی و نواحی صنعتی در روند توسعه روستاهای مورد نظر بسیار تأثیرگذار بوده است. شایان و شاهی (۲۰۰۷) نیز در مطالعات‌شان ایجاد فرصت‌های شغلی، تولید درآمد برای اقشار فرودست روستایی و بهبود توزیع درآمد شاغلین واحدهای صنعتی نسبت به غیرصنعتی و همچنین کاهش فقر، کاهش مهاجرت‌های روستایی و افزایش رفاه در مناطق روستایی را از جمله اثرات صنعت در روستاها دانسته‌اند. بارانی (۲۰۰۹) در مقاله بررسی صنایع در شهرستان عجب شیر به این نتیجه رسیده است که در صنایع روستایی نقش مهمی در جذب نیروی کار در روستاها، جلوگیری از مهاجرت‌های بی رویه به مناطق شهری و ارتقاء و متنوع ساختن کیفیت فرآورده‌های تولیدی در بخش کشاورزی دارد. جوان و همکاران در (۲۰۱۱) در پژوهشی به نقش متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه پایدار روستاهای شهرستان سمیرم پرداخته و به این نتایج رسیدند که عدم تنوع در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای مورد بررسی در منطقه مورد مطالعه شرایط نامساعدی را برای خانوارها بوجود آورده است در حال که خانوارهای دارای تنوع منابع در آمدی در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی وضعیت به نسبت مطلوب‌تری را در شاخص‌هایی چون آموزش، ثبات در آمدی، کیفیت زندگی، آسیب پذیری، دارا بوده‌اند. مردوخی (۱۹۹۸) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند، با توجه به این که بخش کشاورزی از نظر ایجاد اشتغال جدید، قادر به پاسخگویی نیازهای روستاییان نیست و خود این بخش با فزونی نیروی انسانی مواجه است، ضرورت صنعتی شدن روستاها به عنوان یکی از راه حل‌های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و بالاخره توسعه صنعتی کشور بیشتر احساس می‌شود. کرشاهی (۲۰۱۲) در پژوهشی به امکان سنجی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی در دهستان زرین دشت شهرستان دره شهر با استفاده از مدل SWOT پرداخته و به این نتیجه رسیده که صنایع تبدیلی و تکمیلی محصولات کشاورزی می‌تواند راهکارهای مناسب برای جلوگیری از ضایعات، افزایش ارزش افزوده، افزایش درآمد و کاهش مهاجرت بشد.

از ابتدای انقلاب صنعتی که شرایط جدید اقتصادی بر جوامع اروپایی مسلط گردید. شاید بتوان تاریخچه نخستین اظهار نظرات راجع به صنایع کوچک و روستایی را به اقتصاددانان پیشرو منتسب کرد. "آدام اسمیت" اقتصاددان بزرگ بریتانیایی، در این باره معتقد بود که بنا بر امکانات و سطح بکار برده شده در هر کشور، همچون انگلستان، صنایع می‌توانند بیشتر سرمایه‌بر بوده و بر نیروی کار ماشین متکی باشند. در حالی که در جوامع پر جمعیت که از نیروی کار اضافی یدی برخوردارند، صنایع باید با استفاده از نیروی کاریدی استقرار یابند. این نظریه در بین اقتصاددانان موسوم به اقتصاددانان کلاسیک، دوام یافته و تاکنون پیروان زیادی پیدا کرده است (Lotfi, 2004: 29). اما در سال‌های اخیر، می‌توان از مهاتما گاندی به عنوان یکی از نظریه‌پردازان پیشرو در زمینه صنایع کوچک نام برد. او در شرایط جوانی و اوج مبارزات مردم هندوستان برای استقلال، به فکر آینده انقلاب خود و مردم انبوه روستایی و فقیر بوده و ایجاد صنایع کوچک و اشتغال انبوه را در سر می‌پروراند. به همین منوال در کشورهای شبه قاره و نیز کشورهای هند و چین، فکر برقراری صنایع کوچک رونق گرفت (Rao, 1987: 2-13). بنابراین صنعتی‌سازی روستایی، بایستی در جهت استفاده بهینه از منابع کشاورزی و در راستای برنامه‌های رونق این بخش باشد. بر اساس دیدگاه کارشناسان توسعه صنعتی هند، صنعتی‌سازی روستایی بایستی به عنوان وسیله‌ای برای تسریع تجدید حیات کشاورزی بوده و شهرها به عنوان بازارهایی جهت مواد خام و محصولات کشاورزی تولید شده در روستاها و نهادهای مختلف مورد نیاز صنایع مستقر در آن‌ها محسوب می‌شود. این بازارهای شهری نقش مهمی در صنعتی‌سازی روستاها بازی می‌کنند (Rahimi, 2004: 98-99). تا پیش از آغاز روابط سیاسی - اقتصادی ایران با اروپا در قرن ۱۲ هجری، نظام اقتصادی کشور بر پایه صنایع دستی و سنتی و اغلب موارد معیشتی و خودگردان بود (Taherkhani, 2000: 153). به طوری که سابقه طرح موضوع توسعه صنعت در نواحی روستایی در برنامه‌های عمرانی و توسعه به برنامه اول عمرانی (۱۳۳۴ - ۱۳۳۷) باز می‌گردد. در این برنامه با توجه به نبود فصل عمران روستایی، یکی از اهداف شانزده گانه "فصل کشاورزی و آبیاری"، "تشویق و توسعه صنایع روستایی" بود، هر چند که در این دوره اقدام عملی خاصی در طول برنامه به عمل نیامد (Rezvani, 2004: 101). در مجموع در طی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، هیچ اقدام برنامه‌ریزی شده، مشخص و قابل توجهی برای توسعه صنعت در نواحی روستایی کشور انجام نگرفت، هر چند که برخی از صنایع و کارگاه‌های کوچک به صورت سنتی و خودجوش و یا بعضاً با مجوز وزارت صنایع در نواحی روستایی کشور وجود داشتند (Rezvani, 2004: 102). رابطه صنایع روستایی را می‌توان به سه شکل کلی تقسیم‌بندی کرد بر این اساس، می‌توان سه نوع صنایع تبدیلی را نام برد (Sadeh (Daghighi et al, 2010: 92).

الف) صناعی که به طور مستقیم در ارتباط با حلقه‌های مختلف زنجیره فعالیت کشاورزی قرار دارند که الزاماً تمامی شعبه‌های آن در مناطق روستایی مستقر نمی‌شود. صناعی که ماشین‌آلات و تجهیزات و نهادهای مورد نیاز بخش کشاورزی را به صورتی انبوه تولید می‌کند.

ب) بخش دیگری از صنایع روستایی ارتباط مستقیمی با کشاورزی ندارند ولی به طور غیرمستقیم خدمات فنی آن‌ها مورد استفاده فرآیند تولید محصولات کشاورزی قرار می‌گیرد مانند صنعت حمل و نقل روستایی.

ج) دسته سوم از صنایع تبدیلی، هیچگونه ارتباطی با کشاورزی ندارد، ولی از آنجا که در توان بخشیدن به اقتصاد روستایی مؤثر است، می‌تواند با متأثر ساختن اوضاع اقتصادی روستاها و شکوفایی آن به حیات و رشد آن کمک کرده، در نتیجه کشاورز و کشاورزی را نیز از این پیشرفت بهره‌مند کند. هر سه نوع فعالیت‌های صنعتی مذکور، افزایش توان اقتصادی و اجتماعی روستاها، در زمینه‌های مختلف را به دنبال دارد.



شکل ۲. طبقه بندی صنایع در نواحی روستایی (Source: Rahimi, 2004)

ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی به صورت وسیع و همه جانبه و به عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت‌های بخش کشاورزی در مناطق روستایی، یکی از هدف‌های اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می‌باشد (Motie Langroudi, 2003:156). لذا بخش صنایع روستایی سنتی در دراز مدت نمی‌تواند رشد نیروی کار و بیکاری موجود در خود جذب کند، مگر اینکه فناوری این صنایع پیشرفته‌تر شود و در توزیع واحدهای صنعتی تغییراتی ساختاری به وجود آید. از طرف دیگر صنایع نوآور روستایی در ساختار فعلی و آینده صنعت روستایی فرصت اندکی برای اشتغال‌زایی با توجه به نیازهای بازارهای خاص خواهند داشت (Rao,1987:147).

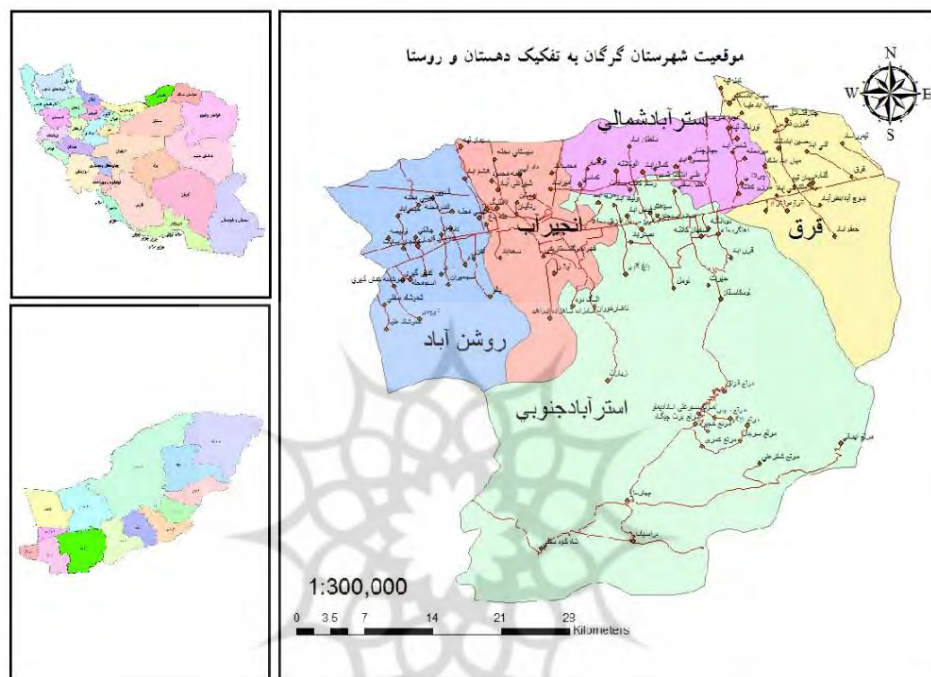
روش پژوهش

بر اساس هدفی که برای تحقیق حاضر منظور شده از نوع کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است که با تکیه بر یافته‌های اسنادی از طریق روش کتابخانه‌ای: بررسی و فیش برداری از کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، نقشه‌ها و آمار نامه‌های منتشره شده رسمی و فصلنامه‌ها، مراجعه به دستگاه‌های اجرایی (جهاد کشاورزی، منابع طبیعی، استانداری و...)، سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و در روش پیمایشی انجام پژوهش‌های راهبردی مستلزم بدست آوردن اطلاعات دست اول درباره موضوع پژوهش است که این امر نیز از طریق انجام پژوهش‌های میدانی امکان پذیر است (Riposa et al, 2001:176). شهرستان گرگان شامل پنج دهستان است و کسب اطلاعات میدانی در این دهستان‌ها، از طریق مشاهده، تکمیل پرسش‌نامه‌های سرپرست خانوار روستایی، واحدهای تولیدی و مصاحبه با مسئولین ذیربط و ... صورت گرفته است. برای انتخاب روستاهای نمونه جهت تکمیل پرسش‌نامه، با توجه به تعداد روستاها در هر دهستان، تعداد جمعیت و اهمیت آن‌ها، ۲۰ روستا انتخاب شده‌اند این تعداد روستاها ۲۱ درصد از تعداد کل روستاهای شهرستان گرگان را شامل می‌شوند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان گرگان با وسعت ۸۱/۱۶۱۵ کیلومتر مربع از نظر موقعیت جغرافیایی در نیمه غربی استان گلستان واقع شده است. براساس تقسیمات کشوری دارای دو بخش، سه شهر، پنج دهستان و ۹۵ آبادی مسکونی می‌باشد. از نظر زمین‌شناسی آثار تمامی دوران‌های سه گانه را در خود جای داده و از نظر توپوگرافی به سه ناحیه کوهستانی، کوهپایه‌ای، جلگه‌ای تقسیم می‌شود. خاک منطقه از رسوبات آبرفتی دوران چهارم به وجود آمده است. رسوبات پای کوه و انتهای شیب‌ها از جنس لس می‌باشد و دشتهای رسوبی آبرفتی خاک حاصلخیزی را برای کشاورزی خصوصاً کشت سویا ایجاد نموده است. میزان دما از جنوب به شمال و از غرب به سمت شرق افزایش می‌یابد. متوسط دمای سالانه ۱۰/۱۸ درجه سانتیگراد است. متوسط بارش ۶/۵۸۵ میلی‌متر و حداقل بارش

در مرداد می‌باشد. وضعیت دما و بارش شرایط مساعدی برای کشت انواع محصولات فراهم نموده است. منابع آب شهرستان از آب‌های سطحی، رودخانه‌های حوضه قره‌سو و آب‌های زیرزمینی به صورت چاه، قنات، چشمه تأمین می‌شود. جنگل و مرتع شکل غالب پوشش گیاهی شهرستان را تشکیل می‌دهد. جمعیت شهرستان گرگان در سرشماری ۱۳۹۵ برابر با ۴۸۰۵۴۱ نفر بوده است. این شهرستان رتبه اول را در نرخ مهاجرت استان دارد. نسبت جنسی در کل شهرستان ۱۰۱ نفر می‌باشد. مهم‌ترین قومیت‌های ساکن منطقه شامل فارس‌های بومی و فارس‌های غیربومی مهاجر از سایر نقاط کشور از جمله شهرهای شاهرود، سبزوار، سیستان و بلوچستان می‌باشند. صنایع روستایی شهرستان گرگان به چهار ناحیه صنعتی هزار جریبی، حیدرآباد، گوزن فارس، سرخنکلاته است که بیشترین واحدهای صنعتی فعال در شهرک هزار جریبی و گوزن فارس قرار دارند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (Source: Natural Resources Office of Golestan Province, 2018)

تحقیق حاضر از نوع توصیفی پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را خانوارهای ساکن در نواحی روستایی حاشیه‌نشین شهرک‌های صنعتی شهرستان گرگان تشکیل داده‌اند که ۱۰۰ نفر از سرپرستان خانوار در ۲۰ روستا به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در این مرحله تعدادی از روستاهای به دلیل فاصله زیاد و عدم تأثیرپذیری از صنایع تبدیلی در شهرک‌های صنعتی به شرح جدول (۱) حذف شدند. در نهایت اطلاعات مورد نیاز این تحقیق با تکمیل پرسش‌نامه از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد. در این تحقیق به منظور انجام نمونه‌گیری از میان جامعه آماری در روستاهای مورد مطالعه، با ایجاد تناسب میان کل سرپرستان خانوار در روستاها و نسبت آن‌ها در هر یک از روستاها، حجم نمونه مشخص شده و نمونه‌گیری به صورت تصادفی در بین سرپرستان خانوار انجام گرفته است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده پرسش‌نامه‌ای که بر اساس نتایج تحقیقات تهیه شده است، انجام گرفت که روایی محتوای آن بر اساس نظرات تخصصی اساتید و میزان پایایی نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. به طوری که تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS25 انجام گرفت.

جدول ۱. جامعه و حجم نمونه آماری منطقه مورد مطالعه

شرح	تعداد خانوار	تعداد روستا
جامعه آماری (N)	۳۳۰۴۶	۹۵
نمونه آماری (n)	۱۰۰	۲۰

یافته‌ها و بحث

همان طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، ۸۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۱۱ درصد از آن‌ها زن بودند. ۳۷ درصد از آن‌ها با بیشترین فراوانی، سنی بین ۳۵ تا ۴۵ سال داشته‌اند. به بیان دیگر، ۷۱ درصد از آن‌ها سنی بیشتر از ۳۵ و کمتر از ۵۵ داشته و متوسط سنی آن‌ها ۱۱/۴۵ سال بوده است. بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق، ۳۹ درصد با بیشترین فراوانی در حد دیپلم یا متوسطه سواد داشته‌اند. به عبارتی، بیش از نیمی از پاسخگویان یعنی ۸۴ درصد از آن‌ها در حد دیپلم و یا کمتر سواد داشتند. یافته‌ها حاکی از آن است، ۴۴ درصد از پاسخگویان با بیشترین فراوانی، یک تا دو نفر را تحت تکفل داشته که بالاترین بعد خانوار ۷ نفر و پایین‌ترین آن صفر بوده است. همچنین نتایج گویای آن بود که متوسط زمین کشاورزی در اختیار پاسخگویان ۵/۱ هکتار که کمینه و بیشینه آن به ترتیب صفر و ۵ هکتار بوده است.

جدول ۲. ویژگی‌های فردی پاسخگویان بر حسب درصد

متغیر	گروه‌ها	درصد
جنسیت	مرد	۸۹
	زن	۱۱
سن (سال)	کمتر از ۳۵	۱۶
	۳۵-۴۵	۳۷
	۴۶-۵۵	۳۴
وضعیت تحصیلی (مقطع)	بیشتر از ۵۵	۱۳
	بی‌سواد (۰)	۱۴
	ابتدایی (۱)	۲۲
	راهنمایی (۲)	۹
	دیپلم (۳)	۳۹
	فوق دیپلم (۴)	۳
تعداد اعضای خانوار (نفر)	لیسانس (۵)	۱۰
	فوق لیسانس و بیشتر (۶)	۳
	ندارد	۳
	۱-۲	۴۴
وضعیت اراضی زراعی تحت تملک (هکتار)	۳	۳۴
	بیشتر از ۳	۱۹
	ندارم	۳۴
	کمتر از یک	۱۵
	۱-۳	۲۸
	۴-۶	۱۵

به منظور سنجش میزان اثربخشی شاخص‌های اقتصادی صنایع تبدیلی در روستاها، از روش فاصله انحراف معیار از میانگین برای طبقه‌بندی و امتیازدهی به هریک از ابعاد و شاخص‌ها استفاده شده است. سپس با حاصل جمع امتیازها، میزان اثربخشی شاخص‌های اقتصادی صنایع تبدیلی در روستاها در حد کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد، ارزیابی شد. این گروه‌بندی بر اساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از روابط زیر و روش فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM) به دست آمد:

A=ضعیف: $A < \text{Mean} - \text{Sd}$

B=متوسط: $\text{Mean} - \text{Sd} < B < \text{Mean}$

C=خوب: $\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{Sd}$

D=عالی: $\text{Mean} + \text{Sd} < D$

نتایج ارائه شده در جدول (۳)، اولویت‌بندی گویه‌های شاخص اقتصادی در اثربخشی صنایع تبدیلی در روستاها نشان می‌دهد. یافته‌ها گویای آن است که گویه "ایجاد فرصت شغلی جدید" با کمترین ضریب تغییرات یعنی ۷۸/۰، اولویت اول را به خود اختصاص داده است و گویه "صادرات فراورده‌های کشاورزی به شهرها و یا کشورهای دیگر" نیز با بیشترین ضریب تغییرات یعنی ۷۴/۱، آخرین اولویت را به خود اختصاص داده است.

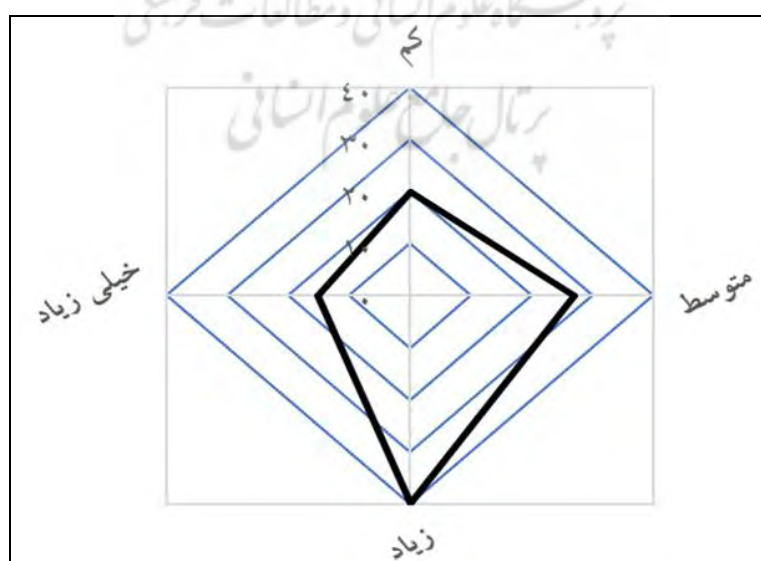
جدول ۳. اولویت‌بندی گویه‌های شاخص اقتصادی در اثربخشی صنایع تبدیلی در روستاها

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۷۸/۰	۸۳/۰	۰۷/۱	ایجاد فرصت شغلی جدید
۲	۸۳/۰	۱۳/۱	۳۶/۱	افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات
۳	۸۷/۰	۸۹/۰	۰۲/۱	افزایش در آمد روستاییان
۴	۹۷/۰	۹۸/۰	۰۱/۱	فراهم کردن تنوع شغلی
۵	۳۳/۱	۸۵/۰	۶۴/۰	افزایش پس انداز
۶	۳۸/۱	۹۱/۰	۶۶/۰	افزایش سرمایه گذاری
۷	۴۱/۱	۹۷/۰	۶۹/۰	افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی
۸	۷۴/۱	۸۲/۰	۴۷/۰	صادرات فراورده‌های کشاورزی به شهرها و یا کشورهای دیگر

همان‌طور که نتایج ارائه شده در جدول (۴) نشان می‌دهد، ۴۰ درصد با بیشترین فراوانی میزان تأثیر شاخص اقتصادی را در اثربخشی صنایع تبدیلی در روستاها در حد زیاد رو به متوسط ارزیابی کرده‌اند. ضمن این که ۲۰ درصد در حد کم، ۲۷ درصد در حد متوسط و ۱۳ درصد در حد خیلی زیاد، مورد سنجش قرار داده‌اند. شکل (۲) نیز طبقه‌بندی میزان اثربخشی شاخص اقتصادی صنایع تبدیلی در روستاها نشان داده است.

جدول ۴. طبقه‌بندی میزان اثربخشی شاخص اقتصادی صنایع تبدیلی در روستاها

میزان اثربخشی شاخص اقتصادی	فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۲۰	۲۰	۲۰
متوسط	۲۷	۲۷	۴۷
زیاد	۴۰	۴۰	۸۷
خیلی زیاد	۱۳	۱۳	۱۰۰



شکل ۳. طبقه‌بندی میزان اثربخشی شاخص اقتصادی صنایع تبدیلی در روستاها

نتایج به دست آمده در جدول (۵) روابط همبستگی بین ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی با شاخص‌های اقتصادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همان طور که یافته‌ها نشان می‌دهد ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی با افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، فراهم کردن تنوع شغلی، افزایش درآمد روستاییان، افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی، صادرات فرآورده‌های کشاورزی، افزایش پس‌انداز و افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات، در سطح ۹۹ درصد اطمینان ($P < 0.01$) رابطه مثبت و معنی‌داری داشته است. به بیان دیگر، ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی باعث توسعه در شاخص‌های اقتصادی مورد مطالعه داشته است. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های افزایش سرمایه‌گذاری با ضریب همبستگی ۰/۵۷۴، ایجاد فرصت شغلی جدید با ضریب همبستگی ۰/۴۷۸ و فراهم کردن تنوع شغلی با ضریب همبستگی ۰/۵۴۵، به ترتیب قوی‌ترین ارتباط مثبت و معنی‌دار را با ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی داشته است. از طرفی شاخص افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات نسبت به سایر شاخص‌ها با ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی، ضعیف‌ترین ارتباط مثبت و معنی‌دار را داشته است.

جدول ۵. رابطه بین ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی با شاخص‌های اقتصادی

شاخص‌های اقتصادی	تعداد نمونه	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
افزایش سرمایه‌گذاری	۳۰۰	۵۷۴/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
ایجاد فرصت شغلی جدید	۳۰۰	۴۷۸/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
فراهم کردن تنوع شغلی	۳۰۰	۵۴۵/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
افزایش درآمد روستاییان	۳۰۰	۵۰۹/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی	۳۰۰	۴۳۷/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
صادرات فرآورده‌های کشاورزی به شهرها و یا کشورهای دیگر	۳۰۰	۴۲۲/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
افزایش پس‌انداز	۳۰۰	۵۲۲/۰ ^{**}	۰۰۰/۰
افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات	۳۰۰	۳۸۸/۰ ^{**}	۰۰۰/۰

^{**} معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای $P < 0.01$

برای بررسی و تعیین میزان تأثیرپذیری متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته از رگرسیون به روش گام به گام در این تحلیل دو از هشت عامل وارد معادله رگرسیون چند متغیره گردیده و شش متغیر دیگر یعنی ایجاد فرصت شغلی جدید، افزایش درآمد روستاییان، افزایش بهره‌وری محصولات کشاورزی، صادرات فرآورده‌های کشاورزی به شهرها و یا کشورهای دیگر و افزایش قیمت زمین و رشد بورس بازی املاک و مستغلات، در معادله وارد نشدند. نتایج به دست آمده از رگرسیون گام به گام در جدول (۶) و (۷) آمده است.

جدول ۶. نقش تأثیرپذیری هر یک از متغیرهای وارد شده در معادله بر اثر ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی

شاخص‌های بعد اقتصادی	ضریب تبیین	مربع ضریب تبیین	مجموع تبیین تعدیل شده	خطای معیار
افزایش سرمایه‌گذاری	۰/۵۷۴	۰/۳۲۹	۰/۳۲۲	۱۳۰/۲
فراهم کردن تنوع شغلی	۰/۶۰۷	۰/۳۶۹	۰/۳۵۶	۰۷۶/۲

جدول ۷. رابطه بین ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و تأثیر آن بر شاخص‌های اقتصادی

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	T	معنی‌داری
	B	انحراف معیار			
ثابت	۶۹۸/۲	۰/۲۹۹	-	۰۲۱/۹	۰۰۰/۰
افزایش سرمایه‌گذاری	۰/۶۶۱	۰/۳۲۲	۰/۳۷۶	۳۰۹/۳	۰۰۱/۰
فراهم کردن تنوع شغلی	۷۴۱/۰	۳۰۰/۰	۰/۲۸۰	۴۶۷/۲	۰۱۵/۰

همان طور که از جدول (۶) بر می‌آید، تحلیل رگرسیون تا دو گام پیش رفته است که در آن شاخص‌های افزایش سرمایه‌گذاری و فراهم کردن تنوع شغلی، وارد معادله شدند که میزان ضریب همبستگی آن‌ها (R) با متغیر وابسته به ترتیب برابر ۰/۵۷۴ و ۰/۶۰۷

به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۳۶۹ افزایش یافته است. به عبارتی، بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۶/۳۵ درصد از تأثیرپذیری ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی مربوط به دو شاخص افزایش سرمایه‌گذاری و فراهم کردن تنوع شغلی می‌باشد و بر اساس آن تبیین می‌گردد. این در حالی است که میزان خطای سایر متغیرها بیشتر از ۰/۵ بوده‌اند و به همین دلیل وارد رگرسیون نشده‌اند. بر اساس مقدار B جدول (۷)، معادله رگرسیون را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

$$Y=2/698++1/X_1066++5/X_2741 \quad (1)$$

که در آن:

Y: ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی

X₁: افزایش سرمایه‌گذاری

X₂: فراهم کردن تنوع شغلی

همان طور که نتایج به دست آمده از تحقیق در جداول (۸) و (۹) نشان می‌دهد، بین نظرات مردان نسبت به زنان و همچنین افرادی که مالک اراضی زراعی هستند و آن‌هایی که نیستند، در زمینه تأثیرپذیری شاخص‌های اقتصادی از ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

جدول ۸. مقایسه تأثیرگذار ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی بر حسب جنسیت

متغیر	طبقات	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	۸۵/۶	-۳۰۹/۰	۷۵۸/۰
	زن	۴۵/۷		

جدول ۹. مقایسه تأثیرگذار ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی بر حسب مالکیت اراضی

متغیر	طبقات	میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
مالکیت اراضی	مالکیت	۳۹/۸	۴۱۶/۱	۱۶۴/۰
	عدم مالکیت	۱۹/۶		

نتایج مقایسه میانگین‌ها در گروه‌های تحصیلی و آشنایی با واحدهای صنعتی در راستای تأثیرگذاری ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی در جداول (۱۰) و (۱۱) نشان داد که، ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی در گروه‌های مذکور هیچگونه تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند.

جدول ۱۰. مقایسه تأثیرگذار ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی بر حسب سطح تحصیلی

متغیر	طبقات	میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
وضعیت تحصیلی	بی‌سواد	۶۴۳/۷ab	۶۵۴/۱	۱۴۱/۰
	ابتدایی	۳۶۴/۵ a		
	راهنمایی	۸۸۹/۴ a		
	دیپلم	۹۴۹/۶ ab		
	فوق دیپلم	۰۰۰/۷ ab		
	لیسانس	۴۰۰/۸ ab		
	فوق لیسانس و بیشتر	۶۶۷/۱۵b		

جدول ۱۱. مقایسه تأثیرگذار ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی بر شاخص‌های اقتصادی بر حسب آشنایی با واحدهای صنعتی

متغیر	طبقات	میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
آشنایی با واحدهای صنعتی	عدم آشنایی	۸۵۹/۵ a	۱۹۴/۲	۱۱۷/۰
	متوسط	۰۰۰/۸ a		
	زیاد	۸۷۵/۸ a		

همچنین مقایسه میانگین‌ها در سطح شاخص‌ها حاکی از آن بود که پاسخگویان تأثیر ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی بر شرایط اقتصادی روستاهای حاشیه‌نشین در گروه‌های دو وجهی (مانند جنسیت و مالیکت اراضی) و چندوجهی (مانند سطح تحصیلی و میزان آشنایی با واحدهای صنعتی) تفاوت معنی‌داری نداشتند. چرا که گروه‌های مختلف مورد بررسی ارزیابی یکسانی از موضوع مورد بررسی داشته و امتیاز تقریباً مشابهی به آن‌ها داده‌اند.

نتیجه‌گیری

هر گونه فعالیتی که منجر به تقویت و استحکام بهینه کشاورزی گردد و در جهت نیل به خودکفایی اقتصادی باشد، موجب افزایش حجم محصولات و ارتقای کیفیت محصولات کشاورزی می‌شود و از نظر رشد اقتصادی و توسعه روستایی بسیار حایز اهمیت است. صنایع روستایی نیز در ارتباط و پیوند با بخش کشاورزی از این قاعده مستثنی نیست. صنایع از یک سو موجب ارتقای کمی و کیفی محصولات کشاورزی می‌شود و از سوی دیگر، منافع حاصل از محصولات صنعتی در درون مناطق روستایی متمرکز می‌گردد. موارد مذکور دارای ارتباط تنگاتنگی بوده و از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر است. استقرار صنایع روستایی در پیوند با بخش کشاورزی به عنوان مکمل آن، منشأ تحولات و آثار مثبت در مناطق روستایی می‌شود که برخی از مهم‌ترین این اثرات عبارتند از افزایش بهره‌وری و نیز محصولات در بخش کشاورزی و کاهش ضایعات، حفظ، ارتقاء و متنوع ساختن کیفیت فرآورده‌ها در مناطق روستایی، انتقال ارزش افزوده بیشتر به مناطق روستایی و افزایش درآمد روستاییان، کاهش شکاف بین شهر و روستا از راه افزایش درآمد و تأمین خدمات لازم برای زندگی روستاییان؛ تأمین بخشی از نیاز روستاییان و کشور از راه تولید برخی از کالاها، احداث و بکارگیری پاره‌ای از امکانات زیربنایی و شرایط لازم برای فعالیت صنایع روستایی، ارتباط منطقی و سازنده میان کشاورزی و صنعت از کانال صنایع روستایی، اشتغال بخش عمده‌ای از نیروهای فعال و مازاد در بخش کشاورزی، کاهش مهاجرت و افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان و ایجاد زمینه لازم برای تشکیل و بکارگیری سرمایه‌های کوچک به منظور استقرار صنایع در روستاها می‌باشد (Motiee Langrodi et al, 2011: 24-25). آرپی میسرا معتقد است صناعی که با فرآیند محصولات کشاورزی همگام می‌شود (تولیدکنسرو، میوه، سبزیجات و لبنیات) و همچنین صناعی که در پیوند با فعالیت‌های کشاورزی، نیازمندی‌های بخش کشاورزی را تأمین می‌نمایند (کارخانجات تولیدکننده کود شیمیایی و ساخت ابزارآلات زراعی)، دو نوع از فعالیت صنعتی مناسب در مراکز روستایی می‌باشند (Mistra, 1991:25).

اثرات ایجاد صنایع تبدیلی با توجه به جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد، به ویژه اهمیت این بخش در امر امنیت غذایی، یکی از عناصری که می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از ضایعات، ایجاد تقاضا، افزایش ارزش افزوده و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی ایفا کند، صنایع تبدیلی و تکمیلی است. همچنین صنایع کوچک و متوسط، نقش بسیار مهمی در اشتغال‌زایی به ویژه برای کارگران با مهارت محدود و زنان کم درآمد دارد. نواحی روستایی از موقعیت بسیار مستعد، برای استقرار و استمرار صنایع برخوردارند برای احداث یک واحد صنعتی در نواحی روستایی، به هزینه‌گذاری کمتری نسبت به شهرها نیاز است که خود در وهله آغازین کار، سرمایه‌گذاری کمتری را برای استقرار صنایع طلب می‌کند. دسترسی به نیروی انسانی فراوان و بیکار روستایی برای کار در واحدهای صنعتی، نبود مشکلات اسکان و آمد و شد کارگران در نواحی روستایی، دسترسی آسان به بعضی از مواد اولیه مورد نیاز صنایع که در روستاها تولید می‌شوند و بسیاری از مزایای دیگر استقرار صنایع در نواحی روستایی، لزوم اولویت بخشی به صنعتی سازی روستاها را موجب می‌گردد (MotieeLangrodi et al, 2011:1). محدودیت بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال و تولید درآمد و عدم ثبات و ریسک بالای درآمد کشاورزان به دلیل عدم وجود سیستم‌های حمایتی کارا و مناسب از یک طرف و عدم توانایی جامعه شهری در جذب نیروی کار مازاد روستایی از طرف دیگر، ضرورت توجه به توسعه بخش غیرکشاورزی را در نواحی روستایی مسلم می‌سازد (ZoukharMoghaddam, 1990:130).

استقرار صنایع تبدیلی و گسترش آن در مناطق روستایی دارای مزایایی از جمله: ارتقاء دهنده بخش کشاورزی و توان صنعت منطقه‌ای و ملی، ارتقا درآمد خانوارهای کم درآمد روستایی، زمینه‌سازی برای اشتغال نوین در مناطق روستایی، تنوع و پایداری در درآمدهای روستایی و کاهش ریسک درآمدی و نیز جلوگیری از تخریب محیط زیست در حوالی مناطق شهری می‌باشد (Taghipour, 2009:132)

صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی با توجه به تاثیرات مثبت و محرکی که از خود بر جا می‌گذارد از اهمیت خاصی برخوردار بوده و عامل مهمی در رونق این بخش و در نهایت اقتصاد مناطق روستایی می‌باشد. بنابراین ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی می‌تواند راهکاری مناسب برای جلوگیری از ضایعات و افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی باشد و از طریق اشتغالزایی می‌تواند باعث افزایش در آمد و کاهش مهاجرت های روستا - شهری شوند. برای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در سطح مناطق روستایی لزوم بهره گیری از تمامی ظرفیت‌ها، پتانسیل ها و راهبردها باید مورد توجه قرار گیرد. "دادن معافیت‌های مالیاتی به بخش خصوصی برای سرمایه گذاری و ارائه تسهیلات بانکی برای بالا بردن کیفیت خدمات از ضروریات است" (Hosini et al, 2016). تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مناطق روستایی محدوده مورد مطالعه دارای قابلیت‌ها و توان های بالقوه‌ای در زمینه استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌باشند. نتایج این پژوهش نشان داد که صنایع تبدیلی در ابعاد اقتصادی در توسعه کالبدی روستاهای منطقه مورد مطالعه اثر معناداری داشته است. همچنین مقایسه میانگین‌ها در سطح شاخص‌ها، حاکی از اثرات نسبی تأثیرگذاری صنعت در توسعه روستایی شهرستان است.

References

- Abraham, J. (1994). Rural industries and rural industrialization in developing economy: Indian experience. *Journal of Rural Recontraction*, 27, 45-52.
- Azkiya, M. (1999). *Sociology of Rural Development and Development in Iran*. Tehran: Informatics Publications.
- Barani Pesyani, V. (2009). the feasibility of the development of cottage industries in the Ajabshir Township. (Unpublished Doctoral Dissertation) Tehran university, Iran.
- Bhalla, A.S. (1982). Rural industrialization and new economic policies in human (CHINA). *World Employment Program Research*, 8(5), 37-52.
- Crawford, IM. (2004). Management of Agricultural and Food Products Marketing. SiavashDehghanian's Translations, Mashhad University Press, Mashhad.
- Davarpanah S.A.A., Nouripur, M., & Sharifi, Z. (2014). the role of conversion industries in reducing agricultural products wastes in rural areas, Case study: Dasht-e-Rum district. *Quarterly Rural Development Strategies*, 1(4), 39-53.
- Firouznia, Q., & RuknaddinEftekhari, A.R (2004). *the role of village in the process of national development from the perspective of experts*. Rural Development Institute of Iran, Tehran. (In Persian)
- Gavan, J., Alavizadeh, A.M., & Kerman, M. (2011). The diversification of economic activities in Sustainable Rural Development Case Study: city Semirom. *Journal of Geography (Geographic Society's Journal)*, 29, 17-43. (In Persian)
- Hannan, K. (1995). *China, modernization and the goal of prosperity: government administration and economic policy in late 1980,s*. Cambridge:Cambridge university press.
- Hoseini S.A, Ghasemabadi, Kh., & Mehri, A. (2016). Strategic Analysis of Tourism Indicators (Case Study: Chaboksar Town, Gilan Province). *Journalof Studies of Planning HumanSettlements*, 11(36), 129-147. (In Persian)
- Joshi, M., & Bliss, J. (1997). *Industrial recruitment policy and ruraldevelopment: A case study of pulp and paper industry in Albama*. A dissertationsubmitted to the Graduate faculty of auburn university.
- Kalantari, Kh. (2012). *Data processing and analysis in socio-economic research*. Tehran: Culture Saba Publishing House. (In Persian)
- Karamshahy. (2012). The Feasibility Of Establishing Conversion And Complementary Industries For Achieving Economic Development In Rural Areas,Case Study: Zarin Dasht County of Dareshahr Township,(Unpublished Doctoral Dissertation) Zanjanuniversity, Iran. (In Persian)
- Kishore, C. (1997). Rural non-farm activities in specific regions of Orissa. *Journal of RuralDevelopment*, 16(7), 457-464

- Lotfi, M.S. (2004). Planning for the Development of Small Rural Industries in Hamedan, Master Thesis for Geography. TarbiatMoalem University of Tehran. (In Persian)
- Maghsoodi, M. (2009). The role of agro-processing industry of agricultural products on agricultural value added. *Journal of livestock and Agro-industry*, 3(120), 48-49. (In Persian)
- Misra, R.P. (1991). *Industrialization of villages in Third World countries*, Ali Akbari translation, Village Development and Development Quarterly, No. 1.
- MoradiMofrad, S., HosseinZadeh, A., Abbasi, Q., & Aminian, S. (2013). Feasibility study on the establishment of conversion and complementary industries in order to achieve economic development in rural areas (Case Study: Abbas Tarom Districts). *National Conference on Passive Defense in the Agricultural Sector*. (In Persian)
- MotieeLangroudi, S. H. (2003). *Rural Planning with Emphasis on Iran*. Mashhad: Jahad University Press. (In Persian)
- MotieeLangroudi, Seyyed Hassan, NajafiKani, Ali Akbar (2011), *Village Development and Industrialization (Theories, Techniques and Strategies for Industrial Development)*. Tehran: University Press. (In Persian)
- Movahedi, R., & Samian, M. (2018). Investigating the effective factors on the immigration of villagers in Sardasht city. *Journal of Studies of Planning Human Settlements*, 3(1), 163-177. (In Persian)
- NajafiKani, A. A. (2006). The Impacts of Townships and Industrial Areas in Rural Areas from the Perspective of Sustainable Development, (A Case Study of Babol). Ph.D. in Geography and Rural Planning, University of Tehran. (In Persian)
- Namboodiri, N.V., & Gandhi, V.P. (2003). Growth, Structure and Prospects of Agro-processing Industries in India: Is there Improvement since the Economic Reforms. *India Journal of Agricultural Economics*, 58(3), 622-635.
- Natural Resources Office of Golestan Province. (2018). *Watershed Management Unit*.
- Nayak, U.S. (1994). *Rural Industrialization*. M.D Publication p.v.t, New Delhi.
- Rahmani, M. (2011). *Investigating the Role of Conversion Industries in Reducing Waste and Developing Exports of Horticultural Products*. Office of Economic Research and Economic Policy of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Rahimi, A. (2004). *Explaining the characteristics of rural and complementary industries in the agricultural and rural industries*. Tehran: Publication of the Society for the Conversion and Supplemental Industries of the Agricultural Sector.
- Rezvani, M. R. (2004). *Introduction to Planning of Rural Development in Iran*. Tehran: Gomes Publication. (In Persian)
- Rogers, D. (1978). Industrialization in Com Benefits and the Rural Community. *Rural Sociology*, 43, 7-13.
- Rao, RV. (1987). *Small Industries and the Developing Economy of India*. Translation of the Rural Industries Committee of Fars Province, Shiraz: ShRural Industries Management Publishing House, Jihad Construction. (In Persian)
- Sadegh Daghighi, L., & MotieLangroudi, S. H. (2010). *The role of fishing rifle cooperatives in the development of rural economy*. Co-op No 208 & 209. (In Persian)
- Safari Aliakbari, M., Moradi, M., & Kardovani, P. (2011). Determine the areas of private sector investment for the development of rural industries activities in rural areas of Kermanshah city. *Journal of Geographical Perspectives Human Studies*, 6(16), 52-69. (In Persian)
- Shayan, H., ShahiArdebili, H. (2007). the Role of Rural Industries in the Optimal Income Distribution: A Case Study of the Central District of Mashhad. *Rural Developmental Quarterly*, 10(2), 191-206. (In Persian)
- Sharma, K.D., Pathania, M.S., & Lai, H. (2010). Value chain Analysis and Financial viability of Agroprocessing Industries in Himachal Pradesh. *Agricultural Economics Research Review*, 23(1), 515-522.
- Shih, J.T. (1985). *Decentralized industrialization and rural non-farm employment in Taiwan*. Association of Development Research and Training Institutes of Asia and The Pacific.

- Taherkhani, M. (2000). Industrialization of the Village. Department of Utilization of Industrial Projects and Operation of Ministry of Jihad-e-Agriculture, Tehran. (In Persian)
- Taghipour, A. (2009). Feasibility study of employment development with emphasis on the establishment of conversion industries (agriculture) Case: Kangiryzar village of Lordangel. Master's degree in geography and environmental planning of Sistan and Baluchestan University. (In Persian)
- Wang, X., Cameron, G. (2001). *Practicum report rural industrialization in China*. Saint Mary's University (Canada), 2001. MQ65748.
- ZoukharMoghaddam, Reza (1990), *Development of Non-Agricultural Activities in Rural Areas*, Jihad Publications, Tehran. (In Persian)
- Ziaeyan Firoozabadi, P., Afrakhteh, H., & Naeemabadi, N. (2017). Leveling and prioritizing rural areas in terms of environmental instability (Case study: Dashti districts of Bushehr province). *Journal of Human Settlements Planning*, 12(4), 751-764. (In Persian)



How to cite this article:

Mokhayeri, N., Taj, Sh., Estelaji, A., & Motei Langerodi, S.H. (2020). The Effect of Creation and Development of Completed Industries on Improving Economic Indicators in Rural Villages (Study in Gorgan). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 15(3), 811-826.

http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_672816.html

The Effect of Creation and Development of Completed Industries on Improving Economic Indicators in Rural Villages (Study in Gorgan)

Nasrin Mokhayeri

Ph.D Candidate, Geography & Rural Planning, central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Shohre Taj *

Assistant Professor, Dep. of Geography, central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Reza Estelaji

Professor Dep. of Geography, shahre rey branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seed Hasan Motei Langrodi

Professor Dep. of Geography & Rural planning, Faculty of Geograph, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 13 December 2018

Accepted: 16 March 2020

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

With the growing population and increasing human needs and the expansion of the consumer society, achieving and methods that increase human access to resources and has become the most important goal of development planners. Iran's plateau has been geographically submerged, it has always had fundamental structural and structural improvements in agricultural development, eastern tyranny (despotism) issues, water scarcity and lack of modernism, and the backwardness of joining industrialization, as well as At the level of the unknown village, the village's position in the economic thinking of the country, the loss of a targeted rural development strategy, lack of clear and transparent legal framework, the naught of a coherent and coordinated structure of village affairs and the continuous changes in rural administrative administration, the lack of targeted research with education The villagers, the weakness of capital and the profitability of banks to the villagers, lack of funds Supporting and Targeted Motivation for Economic Growth The roots and weaknesses of the organizational structure of subsidized exports and imports are the problems associated with the human, economic, and natural infrastructure of the transformation industry.

In this research, the effect of the creation and expansion of conversion and complementary industries on the improvement of economic indicators and the evaluation of the effectiveness of this for industrialization and improving agricultural productivity in the process of industrialization, improving employment conditions and increasing living standards in view of population growth and severe drought crisis, Planning on the basis of the resources and facilities available for policy making and the development of an appropriate development strategy pattern, taking into account the specific conditions of the regions, as well as attempts to reduce migration from villages to cities. Considering the creation of infrastructure for the creation and expansion of conversion industries in agricultural centers or villages. Very necessary and important formations without more The creation of conversion industries in rural areas is one of

* Corresponding Author:

Email: sho.taj@iauctb.ac.ir

the most beneficial links between the industrial and agricultural sectors; these industries reduce the rate of permanent and seasonal unemployment in rural areas, as well as provide suitable areas for rural development, can increase rural production, Creating jobs, providing basic needs, linking with other sectors of the economy and reducing regional inequalities. Therefore, this industry can be a prerequisite for the industrialization strategy and food security in the country.

Methodology

The current research is applied based on the descriptive-analytical method and using the results of the search of documents and documents. Based on this, 100 family members from 20 villages were selected as sample size and selected randomly. The instrument of measurement in this research was a researcher-made questionnaire whose validity was based on the professors' opinion and its reliability was calculated by calculating Cronbach's Cronbach's alpha. In order to measure the effectiveness of the indices of converting industries in villages, the method of deviation from the mean equation is used to classify and grade each dimension and indices. Then, by collecting scores, the effectiveness of economic indicators of the change of industries in the villages was assessed in low, medium, high and very high.

Result and Discussion

The domain of the present study is Gorgan city of Golestan province, with an area of 15.181515 km and two parts, three cities, five villages and 95 residential villages. City water resources are supplied from surface waters, rivers in the Qaraosso basin and underground water as wells, aqueducts, springs. Forests and pasture form the dominant vegetation of the city. The alfalfa sedimentary plain causes soil purity for agriculture, especially soybean culture. The average annual temperature is 10.18 ° C. The average rainfall is 585.5 mm and the minimum rainfall is in the month. The condition of temperature and rainfall, the low distance with industrial centers and the proper access to the city of the destination of the market of products is one of the advantages of this city.

Conclusion

The findings of the study showed that the conversion and complementary industries had a moderating influence on the economic index of marginalized industrial settlements. The results also showed that the creation and expansion of conversion industries by increasing investment, creating new employment opportunities, creating job opportunities, increasing rural incomes, increasing agricultural productivity, agricultural products exports, increasing post-development and rising land prices And the growth of real estate business has a positive and significant relationship at the 99% confidence level. The findings suggest that "creating a new job opportunity opportunity" with the lowest coefficient of change (0.88) is the first priority, and the "export of agricultural products to cities or other countries" with the most change Relative to the 1.74 means the last priority As the findings show, the creation and expansion of conversion industries by increasing investment, creating new employment opportunities, providing a variety of jobs, increasing rural incomes, increasing agricultural productivity, exporting agricultural products, increasing retention and rising prices Land and real estate business growth has a positive and significant relationship in the level of 99% confidence ($P < 0.01$). Towards the producer and the creation of conversion industries has led to the development of economic indicators. Also, the findings indicate that the indicators for increasing investment with a correlation of 0.574, the creation of new employment with a correlation coefficient of 0.478 and the availability of job diversity with a correlation coefficient of 0.554, respectively, have the strongest positive relationship And it has been meaningful with the creation and expansion of conversion industries.

Keywords: Industrial Town, Industry, Village, Incomem, Gorgan Town ship